



فرزند رئیس دولت موقت:

دلیل استعفای مرحوم بازرگان تسخیر سفارت آمریکا نبود

فرزند رئیس دولت موقت خاطرنشان کرد؛ اینکه گفته می شود تسخیر سفارت آمریکا باعث استعفای مرحوم بازرگان شد در ست نیست.

به گزارش ایلنا، ابوالفضل بازرگان در همایش بازرگان و انقلاب اسلامی با بیان اینکه در توضیحاتی که می خواهم بدهم افراد یا شهید شدند و یا از دنیا رفتند برای تسریع در صحبت‌ها القاب شهید و مرحوم را فاکتور می‌گیرم و این موضوع هیچ معنای بدی ندارد، گفت: در آن شرایط اگر نگوییم بازرگان تنها گزینه بودند می‌توانیم بگوییم بهترین گزینه بود.
عدای می‌گفتندانتخاب بازرگان اشتباه بود.اما رهبری می‌گفتند در آن شرایط درست بوده است. این عضو نهضت آزادی با اشاره به اینکه ویژگی‌های متعددی مدنظر بازرگان برای انتخاب وزیران بود اظهار کرد: بازرگان از اشخاصی چون بزدی ، سحلی و اعضای شورای انقلاب و رهبری هم استفاده می‌کرد. از انجمن اسلامی مهندسين و سران احزاب هم سعی می‌شد استفاده کند. وی افزود: انقلاب اسلامی ایران طی دوره‌ی کوتاه به پیروزی رسید و فرصت پرورش نیروها نبود.وقتی دولت بر سر کار آمد با مشکلاتی رو به رو شد که پیش از آن پیش‌بینی نکرده بود.فرزند مرحوم بازرگان با بیان این که دستگاه‌های دولتی و کارخانه‌ها دچار مشکل شده بودند و چرخ‌های صنعت نخ‌ریخته بود،گفت:با تمام مشکلاتی که وجود داشت و بعدا ایجاد شد دولت توانست چهار ماهواریتش را تا قبل از استعفاانجام دهد. در دانشگاه تهران گفتند اهل تندروی نیستیم. ضمنا وظیفه من انتقال قدرت از نظام قبل به جدید، اداره کشور، برگزاری رفراندم، رفع خرابی‌ها و انتخاب مجلس موسسان و تهیه پیش‌نویس قانون است و انقلابی‌گری‌ها را باید رهبری اداره کند اما تا روز آخر ایراد می گرفتند که چرا دولت انقلابی عمل نمی‌کند.وی تاکید کرد: مشکلاتی همچون پدیده ضدانقلاب،ضدولت،فسادهای طاقت فرسا و نابجا و ضعف تبلیغات بعدا در دولت بازرگان ایجاد شد. تقریبا روزنامه و نشریه‌ای نداشتیم که مدافع دولت باشد. شدت و ضعف تخریب دولت فرق می‌کرد. رادیو و تلویزیون هم بلندگوی ضدولت بود. شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی تشکیل شد، حاد عادل از وزارت فرهنگ و ارشاد و من از نخست وزیری در آن شورا شرکت می‌کردیم. می‌خواستیم روزنامه‌هایی سریع‌تر منتشر شود که از دولت حمایت کنند که وقتی آن‌ها هم منتشر شد باز به دولت انتقاد کردند.وی گفت: علاوه بر رهبری و شورای موجود که می‌توانستند به موضوعات ورود پیدا کنند؛ برخی نهادها در امور کشوری دخالت می‌کردند.مرحوم بازرگان اطلاعیه‌هایی دادند که همه را به وحدت در عمل و اجرای قانون دعوت می‌کردند. پیامی در مورد حادثه پلوه منتشر کرد و توضیح داد که دولت کوتاهی نکرده است. یک پیام تلویزیونی قبل از استعفا داد و شرح داد که تقصیریایی که به گردن دولت می‌اندازند درست است و با خبر و چه نهادهای دیگری هستند که نمی‌گذارند کار پیش برود. این عضو نهضت آزادی در ادامه با بیان اینکه مشکلات درونی هیئت و اختلافات درون دولت وجود داشت اما خیلی نبود. عنوان کرد: اولین مشکل در استعفای سنجایی وزیر امور خارجه به علت دخالت برخی نهادها و تخلفات اداری بود. در شکل اقتصاد هم مشکل وجود داشت، برخی شخصیت‌ها به دنبال ملی شدن اقتصاد بودند و علی‌رغم میل بازرگان به خاطر شورای انقلاب این موضوع را امضا کردند.وی افزود: تا مدتی از کارمندان نخست وزیری استفاده نمی‌شد،چراکه فکر می‌کردند که اطلاعات از طریق آنان منتقل می‌شود.بعد خودشان ایستاد گفتند نه بهتر است از همین افراد استفاده کنیم. نخست وزیری را عده‌ای اداره می‌کردند که کمیته‌های انقلاب تشکیل داده بودند، تعدادی همافر و تعدادی داوطلب هم وجود داشت. بین این گروه‌ها هم اختلاف‌نظر وجود داشت. این مسئله تا مدتی ادامه داشت تا اینکه شهرتایی تشکیل و نیروی حفاظتی را به آن‌آچارفرستادند.

بازرگان گفت: ججم مراجعات به نخست وزیری خیلی بالا بود، به همین علت نهادی به نام مراجعه‌کنندگان تشکیل شد و ساعت‌ها مجبور بودیم با عده‌ای صحبت کنیم و در هر ملاقاتی که با رهبر انقلاب صورت می‌گرفت دولت مشکلاتشان را می‌گفت. در مقطعی که دولت و شورای انقلاب اختلاف داشتند قرار شد این دو در هم ادغام شوند. اینکه گفته می‌شود تسخیر سفارت آمریکا باعث استعفای مرحوم بازرگان شد درست نیست. از اردیبهشت تا ماه‌مانگاری‌ها ایجاد شد. حامل این متن من بودم. وی افزود: امام چند تن از روحانیون شورای انقلاب را مثل شهید بهشتی و مرحوم رفسنجانی و موسوی اردبیلی را خواستند تا ایشان را منصرف کنند. در طول راه از رادیو و تلویزیون اعلام شد که بازرگان استعفا داده و پذیرفته شده است. دیگر کار از کار گذشته بود. دولت بعد از ایشان خواستند که با نیروهای او همکاری کنند ایشان هم گفتند یعنی در کار نیست هرکس می‌خواهد همکاری کند. همچنان که خودشان در شورای انقلاب باقی ماندند و به انقلاب تا آخر عمر کمک کردند.



ایده تا عمل در گفت‌وگوی ملی

ادامه از صفحه یک

تردیدی نیست که گفت‌وگو در هر جامعه در حال نوسازی امری مثبت و تدبیری لازم است، اما مهم‌تر از آن اهداف و نتایجیاست است که می‌تواند همه طرف‌ها را به انجام این گفت‌وگو ترغیب کند.

گفت‌وگوی ملی به عنوان ایده‌ای تاریخی هراز گاه و بنابر ضرورت‌های زمانی از سوی کنشگران سیاسی –سیوره‌ز اصلاح‌طلبان –پیشنهاد شده اما به رغم بازار گرمی آن، بنا به برخی ملاحظات و منافع، فراموش شده و یا از اولویت همه طرف‌ها خارج شده است. همین مهم عنصر زمان را به‌عنوان فرصت طلایی در خدمت به تحکیم توافق عمومی بلاموضوع؛ حتی به طرز ی خطرناک از دست رفته نمایانده است. براساس ضرب‌المثل قدیمی که ماهی را هر وقت از آب بگیرم، تازه است، ایده گفت‌وگوی ملی، هنوز تازه است و می‌توان از آن در خدمت به تحکیم سیاسی و اجتماعی مطابق با منافع عمومی بهره‌مند شد. اما شرط این کار، نخست توافق همه طرف‌های رقیب در هرم قدرت از یکسو و نیز جلب اعتماد عمومی از سوی دیگر طرف‌ها است.

اگرچه اصلاح‌طلبان این بار نیز به سیاق گذشته متوکل انجام گفت‌وگوی ملی هستند، ولی چگونگی انجام آن را برای افکار عمومی روشن نکرده‌اند. به عبارت دیگر این ایراد جدی بر کارنامه جریان اصلاح طلب در دو دهه گذشته وارد است که عموما هم‌پای خود را به شکل کلی و بدون تبیین مختصات، اهداف، ابزار و نتایج آن بیان کرده‌اند. بدتر اینکه برای ایده‌های خود مصداق‌های روشن و پافشاری در تعمیم آن ندانسته‌اند. همین مهم سبب شده تا در بزنگاهی چون اکنون که ضرورت گفت‌وگو صد چندان است، در وهله نخست با برخی تردیدها در فهم افکار عمومی روبرو شوند. اصلاح طلبان در همه سال‌های گذشته گفتماند که چه ایده‌هایی لازم است اما در اینکه برای تحقق آنها باید از چه چیز برهیزر شود، متغلفانه عمل کرده‌اند. همین مهم وضعی را به وجود آورده که در واقعی‌ترین برآورد، نه به نفع اکثریت برنده و نه اقلیت بازنده انتخابات سال‌های اخیر است. ایده گفت‌وگوی ملی نمی‌تواند تنها به عنوان ابتکاری رزای بیرون رفت از وضعی باشد که عوامل بیرونی و درونی در بزنگاه کنونی موجب آن است، بلکه این انتظار می‌بایست در همه زمان‌های از دست رفته، در چارچوب یک مطالبه جدی قیوم و ثبات می‌یافت. این گزاریه از آن روست که ایده‌ها و اولویت‌های اصلاح‌طلبانه در فرایند زمان، دستخوش تغییر شد و نتوانست به گونه لازم به عنوان خواست عمومی در همه طبقات و بدنه اجتماعی تعمیم یابد.

اکنون همه عواملی که سبب شده تا بار دیگر گفت‌وگوی ملی به عنوان امری لازم مورد توجه قرار گیرد، واقعی است ولی شرط کافی در این امر، ایجاد باوری است که قادر شود اعتماد عمومی را به آن در چارچوب ایده‌ای دنباله‌ار جلب کند. در این صورت شاهد همسویی عمومی با این ایده و نیز ایجاد توافقی عمومی برای بیرون رفت از مشکلات و خنثی کردن تهدیدهایی خواهیم بود که ثبات اجتماعی را نشانه گرفته است.



پس از پایان جلسه دادگاه تجدیدنظر مرتضوی در بخش تأمین اجتماعی، مجتبی نظری و کیل مدافع سازمان تأمین اجتماعی در پرونده سعید مرتضوی در جمع خبرنگاران دادگاه را خوب توصیف کرد و با بیان اینکه قاضی رسیدگی کننده با حوصله به مطالب ما و وکلای سعید مرتضوی توجه کرد گفت: البته متأسفانه آقای مرتضوی باز هم در جلسه دادگاه حضور نداشت و فقط وکلای وی حاضر بودند. این وکیل دادگستری در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا عدم حضور مرتضوی در دادگاه تخلف نیست؟ گفت: این موضوع را باید دادگاه تشخیص دهد که عدم حضور ایشان چه عواقبی باید برایش داشته باشد. علی القاعده در پرونده‌های کیفری باید خود متهم حضور داشته باشد و در پرونده‌های حقوقی اشکالی ندارد و می‌تواند وکیل حضور داشته باشد. حالا چرا ایشان نیامده و بی توجهی کرده است را نمی‌دانیم. دادگاه تا به حال اتهام اختلاس را وارد ندانسته و تصرف در اموال عمومی را مطرح کرده است.

«ابتکار» تکروی‌های برخی چهره‌های سیاسی را بررسی می‌کند

مَن‌ها و تَن‌ها



گ زهره احدی

zohrehahadias@gmail.com

تکروی در میان چهره‌های سیاسی پدیده جدیدی نیست و سال‌ها است که برخی اشخاص فارغ از اینکه وابسته به کدام جناح سیاسی هستند، چنین رویه‌ای را دنبال می‌کنند. در حقیقت، ممکن است که یک سیاستمدار از مرحله‌ای به بعد، مسیر خود را از هم حزبی‌هایش جدا کند. در این میان باید گفت اینکه شخصی در برهه‌ای از عمر سیاسی خود به این نتیجه برسد که دیگر از نظر فکری و سیاسی با هم حزبی‌های خود همخوانی ندارد و در تلاش باشد تا مسیر دیگری را برای خود انتخاب کند، به تنهایی مسئله ای ایجاد نمی‌کند اما این قضیه از جایی تبدیل به مشکل می‌شود که این سیاستمدار خود را خاص می‌داند و خود به را به مثابه یک جریان سیاسی مهم و تاثیرگذار تلقی می‌کند و از دیگران هم انتظار دارد که وی را همراهی کند. در بیشتر اوقات هم این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که این قبیل افراد در میان مردم شناخته می‌شوند و جایگاهی کسب می‌کنند. بنابراین به زعم برخی می‌توان ردیابی از تکبر و منیت را در این رویکرد دنبال کرد. متأسفانه این روزها بسیاری از چهره‌هایی که این رویکرد را دنبال می‌کنند، در میان اصولگرایان قرار دارند. با این اوصاف، چنین سوالی به ذهن متبادر می‌شود که چه شرایط و موقعیتی ممکن است ایجاد شود تا یک سیاستمدار را به این سمت سوق دهد که فعالیت فردی را به فعالیت گروهی یا حزبی ترجیح دهد؟

لزم ارائه مانیفست فردی

بانگاهی گذرا به آنچه در ماه‌های اخیر در عرصه سیاسی کشور رخ داده است به سادگی می‌توان برخی چهره‌های مطرح و شناخته شده در میان سیاستمداران را یافت که خود را فارغ از هرگونه حزب و جریان سیاسی تلقی می‌کنند و این ادعا را دارند که مستقل از دیگران فعالیت می‌کنند. این میدان اسامی می‌توان به اشخاصی مانند ابراهیم رئیسی، محمد باقر قالیباف، سعید جلیلی، محسن رضایی و… اشاره کرد. با مرور این اسامی چند نکته جلب توجه می‌کند؛ نکته نخست این است که اکثر این چهره‌های سیاسی با وجود مستقل دانستن خود ریشه و عقبه اصولگرا دارند و دیگر اینکه این افراد معمولا پس از اینکه درمیان مردم شناخته شدند و در رسانه‌ها مورد توجه قرار گرفتند، ادعای استقلال کردند، با این اوصاف شاید بتوان ریشه‌هایی از غرور ناشی از توجه جامعه نسبت به این اشخاص را در چنین رویکردی جست‌وجو کرد. از سوی دیگر، لازم به یادآوری است که در میان اصلاح‌طلبان هم ممکن است که چنین اشخاصی یافت شود اما این پدیده در اسامی رده بالای این جریان سیاسی چندان رواج نیافته است و کم‌تر

اصلاح‌طلبی را می‌توان یافت که حاضر باشد از این جریان فکری جدا و مستقل شود. غلامرضا ظریفیان فعال سیاسی اصلاح‌طلب در گفت‌وگو با «ابتکار» در رابطه با این پدیده عنوان کرد: «اگر بخوایم در سطح کلان و فارغ از جریان‌های سیاسی به این مسئله نگاه کنیم؛ جریان سیاسی اصولگرا و اصلاح‌طلبی، وجهیاتی محسوب می‌شوند که طیف‌های بسیاری را در برمی‌گیرند و در این میان حتی اگر برخی چهره‌های اصولگرا ادعا کنند که در این طیف قرار ندارند، طبیعی است که تا زمانی که ابراز عقیده نکرده‌اند و مواضع جدیدی را بیان نکرده اند و جامعه و افکار عمومی آنها را در همان جبهه فکری می‌دانند، با این توضیح این اتفاقی است که در مورد اصلاح‌طلبان هم صادق است.» وی تصریح کرد: «اگر این فرد مستقل علاوه براینکه خود را مستقل می‌داند، با توضیح بگوید که از اصولگرایی و یا اصلاح‌طلبی که این ویژگی‌ها را داشته خارج شده و به این شاخص‌های جدید رسیده است. آن وقت می‌توان پذیرفت که از جرگه آن جریان سابق خارج شده‌اند و یا نگاه و فراتر جدیدی نسبت به آن جریان فکری داشته باشند. با این اوصاف تا زمانی که مانیفست جدیدی ارائه نشده است این نگاه جامعه تغییر نمی‌کند.»

تداوم حیات سیاسی

شاید یکی از مطرح‌ترین چهره هایی که ادعا کرده که مسیر از اصولگرایی جدا است، محمود احمدی نژاد باشد که این مسیر را در همان زمان ریاست جمهوری برگزید و همین امر در آن برهه زمانی مشخصی برای اصولگرایان داشت و سایر اعضای این جریان فکری در تقابل با این فرد قرار گرفتند. ظریفیان در

مرتضوی باز هم در جلسه دادگاه حضور نداشت



انتخابات با این سیاستمدار گذاشته‌اند، اتفاق نیفتاده است. این می‌تواند یک انگیزه برای جدایی باشد و در واقع این چارچوب را دیگر نمی‌پذیرند.» وی در ادامه افزود: «انگیزه دیگر هم می‌تواند این باشد که فردی که ادعای استقلال می‌کند، احساس کند که آن جریان سیاسی دیگر آن جایگاه اجتماعی را ندارد و خود را برای ادامه فعالیت‌های سیاسی جدا کند و به جامعه این را القا کند که من دیگر نسبتی با آن جریان سیاسی که نمی‌پسندید، ندارم. از سوی دیگر ممکن است که فرد از جبهه سیاسی به دلیل تجارب و نگاه جدیدی که پیدا کرده است، جدا شود، البته اگر این فرد نسبت و اندیشه خود را روشن نکند، جامعه این را نمی‌پذیرد.» این فعال سیاسی خاطرنشان کرد: «عامل دیگری که من وجود دارد و این است که فرد همچنان به جبهه پایبند باشد اما به دلیل اقتضائات زمانه خود را کنار بگذشد، چراکه این تصور وجود دارد که مردم در عرصه سیاست حافظه ضعیفی دارند، بنابراین فرد به طور موقت کنار می‌کشد تا از این فضای جدید استفاده کند تا بعدها مجدداً به جریان سابق بپیوندد.»

بی توجهی به حزب‌گرایی

باتوجه به اینکه تشکیلات حزبی و رواج تحزب در کشور یکی از عوامل اصلی و نشانه مهمی درخصوص ظهور دموکراسی در یک کشور است، این تکروی‌ها ممکن است تداخلی در روند نهادینه شدن فرهنگ حزب‌گرایی در کشور باشد. ظریفیان در این رابطه عنوان کرد: « تا زمانی که در جامعه سیاسی، حزب‌گرایی شکل حرفه‌ای پیدا نکند و تحزب در جامعه نهادیه نشود، طبیعتا این واکنش‌ها در جامعه ما رخ خواهد داد و این کنش و واکنش‌ها می‌تواند در میان هواداران یک جریان سیاسی نیز تاثیر بگذارد. به عنوان مثال هنگامی که آقای احمدی‌نژاد عنوان می‌کند که دیگر نسبتی با جریان اصولگرا ندارد، طبیعتا ممکن است بخشی از جامعه اصولگرایی در مقابل احمدی نژاد قرار گیرد و ممکن است بخشی تلاش کنند تا به جریان جدید بپیوندند و این جبهه ممکن است دچار تلاطمی شود و اشعاعی در آن صورت گیرد.» وی در ادامه افزود: « به هر حال سیاست‌ورزی یک امر ایستا نیست و دینامیک محسوب می‌شود. با چنین ماهیتی طبیعی است که درون یک حزب و جریان سیاسی افرادی وجود داشته باشند که به فهم و دریافت جدیدی دست می‌زنند و این اتفاق کم‌تر رخ می‌دهد، در حالی که جریان فکری محسوب می‌شود.» این فعال سیاسی اصلاح طلب خاطرنشان کرد:« البته لازم به یادآوری است که سابق بر این اصلاح‌طلبان هم فراز و فرودهایی در این زمینه داشته‌اند اما عوامل به دلیل معرفتی که در خود دارد که همان توان گفت‌وگو و تعامل با نکتته جلب توجه این است، این اتفاق کم‌تر رخ می‌دهد. در حقیقت، نوآوری و خلاقیتی در چارچوب‌های این جریان سیاسی وجود دارد، انعطاف پذیری اصلاحات را افزایش می‌دهد.» با این تفاسیر چنین می‌توان برداشت که یکی از عوامل اصلی جدایی برخی چهره‌های سیاسی از جریان اصولگرا ریشه در کاهش اقبال عمومی این جریان دارد. با این اوصاف حتی ممکن است برخی از افرادی که امروز صاحب از استقلال می‌کنند، را آینده‌نا ه چندان دور به خاستگاه خود بازگردند.

کفن پوشی با سلاح سرد در راه ورود به نهاد ریاست جمهوری با شلیک گلوله متوقف شد

قمه کشی در پاستور

اطلاعی در دست نیست اما فرد مهاجم که حدودا ۳۵ سال داشته پس از بازداشت به بیمارستان منتقل شده است. یکی از شاهدان عینی این حادثه که در محدوده پاستور زندگی می‌کند به ایلنا گفت: «در این محدوده برای ورود افراد ناشناس باید با نیروهای امنیتی هماهنگی صورت بگیرد. امروز برای هماهنگی عبور تعمیرکار لباسشویی از منزل خارج شدم که شنیدن صدای شلیک باعث شد به سمت گیت دوم بروم و با فرد مهاجم که به علت اصابت گلوله نیروهای امنیتی روی زمین افتاده بود مواجه شدم.» در همین خصوص محمد حسین میمنی استاندار تهران با اشاره به این حادثه عنوان کرد: در حال حاضر فرد مورد نظر به بیمارستان منتقل شده اما هنوز انگیزه فرد مهاجم مشخص نشده است.

وی افزود: اطلاع من از این حادثه در حد کلیاتی است که مطرح شده است. باید صبر کنیم وضعیت فرد مورد نظر بهتر شود و روند بازپرسی از وی انجام گیرد تا جزئیات حادثه مشخص شود. استاندار تهران یادآور شد: با توجه به اینکه فرد مورد حمل قمه بوده و به همدار آن سوی نیروهای امنیتی هم توجه نکرده، فکر می‌کنم رسیدگی به این مساله در حال حاضر بر عهده قوه قضائیه باشد. اینها تنها مواردی نبوده است که برخی با سلاح سرد به برخی مسئولان حمله کرده‌اند و حتی بعضا برخی

رئیس جمهوری :

خودروهای فرسوده باید به‌طور کامل از رده خارج شوند

صادرات اتوبوس به کشورهای همسایه قدم‌های خوبی برداشته‌ایم و در زمینه خودروسازی، متخصصان کشور مهارت‌هایی دارند که می‌تواند به صادرات خودرو متجر شود. روحانی تأکید کرد: باید این ظرفیتی را که در راستای طرح‌های نوسازی ناوگان حمل و نقل جاده‌ای کشور ایجاد می‌شود، حفظ کنیم تا بتوانیم تحول بزرگی در صادرات و اشتغال ایجاد کنیم. رئیس جمهوری ایجاد اشتغال و شرایط مناسب برای صادرات را، یکی از محورهای اصلی حفره‌های دانست و خاطر نشان کرد: به واسطه این طرح امکان‌های می‌شود که افرادی که توانایی ندارند تا در راستای نوسازی خودروی خود اقدام کنند، خودرویی را به آنها تحویل دهیم که حدود نصف قیمت آن را وزارت نفت بر مبنای صرفه‌جویی انرژی و درآمدی که از آن حاصل می‌شود، تسلیت کند. روحانی تأکید کرد: آنچه امروز به مردم قول می‌دهیم این است که دولت دوازدهم مصمم‌تر از دولت یازدهم اهتمام دارد که خودروهای فرسوده را در اسرع وقت از ناوگان حمل و نقل جاده‌ای بیرون‌شهری و درون‌شهری، خارج کند و تلاش ما این است که بتوانیم در سال‌های پیش‌رو آن را به انجام برسانیم. رئیس جمهوری افزود: باید تلاشی را انجام دهیم که با همکاری وزارت «راه و شهرسازی»، «فت»، «صنعت، معدن و تجارت» این کار انجام شود و از فرسوده‌ترین‌ها خودروها، شروع به نوسازی کنیم. روحانی خاطر نشان کرد: به واسطه این طرح آلودگی‌ها از بین رفته و سرعت حمل و نقل افزایش یافته و ترافیک جاده‌ای کشور که برخی اوقات بخاطر حضور خودروهای سنگین ایجاد می‌شود، روان خواهد شد و این به مردم در انجام کارهای خود و تسهیل شرایط زندگی کمک خواهد کرد.



در این راستا مسئول بدانیم بلکه همه دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها باید وارد میدان شده و کمک کنند. رئیس جمهوری با بیان اینکه طرحی که امروز به مبارکی دهه فجر کلید می‌خورد یک طرح میان‌بخشی و فرابخشی بود و همه وزارتخانه‌ها و دستگاه‌ها و فعالان اقتصادی باید وارد عمل شوند تا به نتیجه مطلوب برسیم، گفت:اقدامات در راستای نوسازی ناوگان فرسوده با کندی همراه است و این نمی‌تواند ما را به مقصود و هدفی که در نظر داریم ، برساند و مانند شنارگی هستیم که در شدت جریان آب در جهت مخالف شنا می‌کند. روحانی تأکید کرد: باید راه پرشتایی برای غلبه بر روند سریع آلودگی محیط زیست پیدا کنیم. رئیس جمهوری با اشاره به اینکه دولت دوازدهم موضوع اصلاح ناوگان حمل و نقل عمومی و خودروهای فرسوده را تا پایان فعالیتش ادامه می‌دهد، گفت: امروز در کالشنرها بخش اعظمی از آلودگی هوا بخاطر سوختی است که مصرف می‌شود و دولت با تلاش مردم در حال انجام اقداماتی است تا بتواند قدم به قدم آلودگی‌ها را به طور سالانه کاهش دهد. روحانی با بیان اینکه باید نوسازی